

خیر

## اعتراض کارگردان «سلام بمبئی» به تغییرات فیلمش برای پخش تلویزیونی

**بخش فرهنگی** – کارگردان فیلم «سلام بمبئی» یا ابراز ناراضیتی از دوبله‌ای که برای پخش این فیلم از تلویزیون انجام شده گفت: این نسخه مورد تایید من نیست مخصوصا اینکه تغییراتی در آن به وجود آمده که اصلا در فیلمنامه نبود.

به گزارش ایسنا، پنج شنبه شب ۵ دی ماه نسخه‌ای از فیلم سینمایی «سلام بمبئی» به کارگردانی قربان محمدپور با بازی محمدرضا گلزار و بنیامین بهادری از شبکه «ای فیلم» تلویزیون پخش شد که نحوه دوبله آن، دیدن فیلم را دست کم برای کسانی که قبلا «سلام بمبئی» را در سینما دیده بودند سخت و غیرقابل تحمل می‌کرد.

در این نسخه که قبلا هم از تلویزیون پخش شده، بعضی بالوگ‌های هندی و انگلیسی به فارسی دوبله شده در حالی که بعضی دیالوگهای هندی فقط زیرنویس فارسی داشتند، اما به نظر می‌رسد برای یکدست شدن کار و اینکه بیشتر حال و هوای فیلمهای هندی‌ای که در تلویزیون ایران دوبله و پخش شده تداعی شود، تمام دیالوگها یعنی حتی زمانی که گلزار و بهادری به زبان فارسی صحبت میکنند هم با صدای دوبلور جایگزین شده است.

البته این تمام ماجرا نیست چون با همین کار، دیالوگ‌ها و صحنه‌های اضافه تری نسبت به اصل فیلم شنیده می‌شود و با تغییر لحن شخصیت اصلی، تلاش برای افزودن بار کمدی به فیلم کاملا مشهود است.

در این باره قربان محمدپور که مشغول انجام پیش تولید فیلم جدیدش با نام «عاشقی در هانوی» است،در گفت و گویی با ایسنا توضیح داد: من با دوبله این فیلم کاملا مخالف بودم و این موضوع را به تهیه کننده محترم هم (جواد نوروزبیگی) گفته بودم چرا که معتقدم تماشاجی دوست دارد بازی محمد رضا گلزار را حتی در زمانی که به انگلیسی صحبت می‌کند، با صدای خودش ببیند و بشنود نه فردی دیگر. البته اصرار برای دوبله فیلم زمان اکران هم وجود داشت که مخالفت من با انجام نشدن این کار نتیجه داد اما برای پخش از تلویزیون گفتند باید حتما دوبله شود.

وی افزود: من به هیچ عنوان راضی به این کار نبودم و اگر چه در جریان کلی اتفاق بودم اما از آنجا که کلا مخالفت داشتم از جزئیات بی خبر بودم و بعد متوجه شدم این دوبله مشکلات زیادی دارد و خوب و منطقی در نیامده و خیلی جاها اصلا سینک نشده است. ضمن اینکه شوخی‌ها تغییر کرده و چیزهایی اضافه شده که اصلا در فیلمنامه نبود و این ها همه به فیلم لطمه زیادی زده است.

محمدپور ادامه داد: زمان اکران سلام بمبئی هجمه‌های زیادی به فیلم وارد شده بود ولی دوبله شد تا از تلویزیون پخش و مشخص شود که مشکلی نداشته است. با این حال این کار مورد تایید من نیست و اگر چه دوبله توسط تلویزیون انجام نشده، اما برای عید هم که آن را پخش کردند، گفته بودم این نسخه نمایش داده نشود ولی نظرشان بر این بود که با زیرنویس مخاطب خسته می‌شود این در حالی است که الان تمام دنیا فیلم ها با زیرنویس پخش می‌شوند و آنها را دوبله نمی کنند.

او در پایان درباره فیلم جدیدش هم گفت: «عاشقی در هانوی» در مرحله پیش تولید است و بازدید نهایی لوکیشن‌ها هم انجام شده و ان شالله از اسفند ماه و با صدور پروانه ساخت از سوی دولت ویتنام فیلمبرداری را شروع می‌کنیم.

این پروژه محصول مشترک ایران و ویتنام است و داستانی عاشقانه دارد که بازیگران ویتنامی مشخص شده و به زودی بازیگران ایرانی هم مشخص می‌شوند.

.....

## انتشار ترجمه مهدی غبرایی پس از ۳۷ سال

**بخش فرهنگی** – مهدی غبرایی از انتشار «کودکی نیکیتا» پس از ۳۷ سال خبر داد.

این مترجم در بیان‌به ایسنا گفت: مسئول نشره خزه که دوستی هم با من دارد، از من کتاب خواست و من به او گفتم کتابی دارم که سال‌هاست تجدید چاپ نشده است. این کتاب را به همراه کتاب دیگری که هر دو آن‌ها قبلا در نشر نیلوفر منتشر شده‌اند و این نشر به هر دلیلی این کتاب‌ها را چاپ نکرد، به او دادم؛ البته این رمان را بار دیگر خواندم و دست لطیفی هم در آن بردم. یادم نمی‌آید یکی از برادرانم فرهاد یا هادی نیز این کتاب را دیده بود و خوشبختانه ابرادی نداشت. همه کارهای این کتاب انجام شده و مجوز هم گرفته است و منتظریم تا یک‌ماه دیگر شاید هم زودتر منتشر شود.

او افزود: رمان «کودکی نیکیتا» نوشته آلکسی تالسوی است که نسبتی هم با تالسوی بزرگ دارد. معروف‌ترین کتاب او در ایران «گذر از رنج‌ها» است. او «کودکی نیکیتا» را حول محور کودکی خود نوشته و از زیبایی‌های سرزمین و مسائلی که یک پچه ده تا دوازده ساله با آن روبه‌رو است، صحبت می‌کند. این رمان از نظر عشق به زادگاه، اثر شاعرانه و لطیفی است. «کودکی نیکیتا» جزء اولین رمان‌هایی است که من آن را ترجمه کرده‌ام و حالا قرار است در نشر خزه تجدید چاپ شود.

غبرایی همچنین درباره این‌که رمان دیگری هم در دست چاپ یا ترجمه دارد یا نه، بیان کرد: یک رمان با عنوان «دیار خوابگردی» در نشر افق دارم که مجوزش آمده است، البته ایرادهایی گرفته بودند که من آن‌ها را اصلاح کردم. این کتاب نوشته میا کوئو نویسنده سفیدپوست موزامبیک است که در ایران شناخته شده نیست. این کتاب را به دنبال کتابی که از آنگولا با عنوان «آفتاب‌پرست‌ها» از ژوزه ادواردو آگوالوسا ترجمه کرده بودم، ترجمه کردم. داستان «دیار خوابگردی» درباره ویرانی و بدبختی‌های دوران جنگ است، به اضافه این‌که از رئالیسم جادویی استفاده کرده است.

او افزود: پایان‌نامه دوره لیسانسم درباره آنگولا و موزامبیک بود که تازه از پرتغال استقلال گرفته بودند. دلیل علاقم به این کشورها به آن سال‌ها بازمی‌گردد. به نظرم دور جدید ادبیات متعلق به کشورهای آسیا و آفریقا است. دلیل ساده‌ای هم دارد؛ اینکه همه تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی در این مناطق است که به ادبیات‌شان وارد شده است. اما ما از آن‌ها دوریم و به نوعی غفلت داشته‌ایم. من درصدد کشف آن‌ها هستم و مرتب آن‌ها را دنبال می‌کنم.

مترجم کتاب‌های خالد حسینی سپس بیان کرد: کتاب دیگرم نیز آخرین رمان هاروکی موراکامی است به اسم «قتل کومانداټوره» است. این نام کتاب از ابرایی از موتزارت گرفته شده و نویسنده آن را با تخلیش درآمیخته است. این رمان ۸۰۰ صفحه‌ای را برای مجوز فرستادم که هنوز جواش نیامده است. نشر افق، ناشر رمان‌های «دیار خوابگردی» و «قتل کمانداټور» است.

او در ادامه گفت: کتاب دیگری را با عنوان «مزدور» از هوارد فاست که مجوزش نیز اخذ شد، در نشر خزه دارم. دو کتاب غیر رمان نیز از ماریو بارگاس یوسا دارم که قبلا در نشر مرکز چاپ شده بود و الان به نشر نیماژ دادام که با گذشت پنج‌شش ماه هنوز خبری از آن‌ها نشده است.

## {فرهنگ و هنر }

# رشت چگونه رشت شد

به مناسبت ۱۲ دی ماه روز رشت

ششمین ریاست بلدیه رشت

نصرالله رضا از شهروبر ماه ۱۳۰۶ ریاست خود را بر بلدیه آغاز نمود. اولین کار او صدور اعلامیه ای برای شهروندان جهت ملاقات حضوری همه روزه با او و ارایه پیشنهادهاتی که متضمن منافع و آبادی شهر باشد، بوداو اعلام کرد از این پس به مراسلات بدون امضاء ترتیب اثری نخواهد داد.اعلامیه دوم او اخطار به دارندگان اسب وعرابه بود که بارلایطاق بیش از۳۶ پوط (هرپوط ۱۶/۳۸۰ کیلوگرم ) به عرابه ها نزنند و حیوانات زبان بسته را نیازازند.

اعلان دیگر ششمین رئیس بلدیه درمورد اعلان نرخ عرضه نان قلاج ( نوعی بربری) خوب توسط شعبه ارزاق بلدیه از قرار هر گیروانکه (۴۱۰ گرم) دو عباسی بود.هر عباسی معادل دویست دینار یا دو قران و هر ده قران برابر با یک تومان) این به علت تنزل قیمت ارد روسیه بود که می بایست در کیفیت و قیمت نان تاثیر می گذاشت.

با دستور نصرالله رضا، یکدستگاه کارخانه چراغ برق به قیمت سه هزارتومان برای روشنایی بلدیه و صحنه نمایش سن مجاورانبیاع گردید.

فکر ایجاد کتابخانه ملی نیز در همین دوره، اول بار در کمیسیون بلدیه مطرح و توسط جمعیت نشر معارف تعقیب و بنای آن روبروی قبر ابوسید جعفر به ثمر رسید .

بودجه سالیانه بلدیه رشت در این دوره با نظم مالی که برقرار شد ۴۰ درصد افزایش یافته و سالانه به ۲۰۷ هزار تومان رسید.

**امان الله خان پادشاه افغان**

خرداد ماه سال ۱۳۰۷ ، رشت خرم و سرسبز شده و باد بهاری می وزید. آثار تمدن ونوسازی به هر قیمتی که شده در شهر نمایان بود. روشنفکران،هنرمندان ومردم باسواد شهر، امیدوار به آتیه خوش، برای این شهر شده بودند. شوروحالی در شهرمشاهده می شد . سوپورها خیابان ها را اب و جارومیکردند.عمارت بلدیه چراغانی و با کاغذهای رنگی و پرچم ایران ،خبر از شادی و جشن قریب الوقوعی را میداد. با انجام مقدمات و ایجاد امادگی روز موعود فرا رسید . سه تن از بانوان جوان رشتی که پوشش فرنگی و غیر معمول ان زمان مثل مانتو و کفش و کلاه پوشیده و کیفی هم در دست داشتند در جلوی عمارت بلدیه به همراه بسیاری از مقامات شهر با لباسهای رسمی ایستاده بودند.گروه موزیک حاضر درمیدان روبروی عمارت بلدیه، نیز اهنگ های ملی را می نواخت و ان دورترها مردم رشت نیز با شادی و شغف مشغول تماشای مراسم و ورود مهمانی از سمت و سوی انزلی بودند . بالاخره انتظارات به پایان رسید و کاروان چند ماشین، و اسب سواران وعده ای هم پیاده بدنبال کاروان امان الله خان پادشاه افغان و همسرش ثریا خانوم که از سفر فرنگستان برمی گشتند تاازمسیررشت راهی افغانستان شوند در همهمه استقبال مردم و صدای ساز و آواز گروه موزیک به میدان و جلوی عمارت با شکوه بلدیه رسیدند.سه بانوی خوش لباس رشتی، در میان غریو شادی حاضران،به استقبال ملکه رفتند ودر طول اقامت،همدم ثریا خانوم شدند.اقای نصرالله رضا ریاست بلدیه نیزبه استقبال پادشاه رفت و با لبخند و شادی از او استقبال نمود . رئیس بلدیه شاه وهمراهانشان را به داخل عمارت بلدیه دعوت نمود. پذیرایی شاهانه از پادشاه افغانستان و ملکه و همراهانشان درطول مدت اقامت چند روزه دررشت بعمل آمد . پذیرایی در کلوپ شاهپور که برای عیش و نوش ازما بهتران توسط سرتیب زاهدی حاکم نظامی گیلان در باغ محتشم رشت ساخته شده بود،با میزبانی سرتیب زاهدی نیز از جمله برنامه های اقامت پادشاه افغان در این سفربوده است.برای این پذیرایی و جشن با شکوه چهار هزار تومان اعتباراز مالیه مرکز گرفته شده بود که تماما هزینه گردید .

**حمام گلزار پیرسرا**



حمام های عمومی رشت با بنا و معماری دوره قاجار در محلات مختلف مشغول پذیرایی از مردم برای استحمام و نظافت بودند.حمام حاج آقا بزرگ در محله آفخرا، حمام حاجی در ساغریسازان ، گرمابه احتشام در کرف آباد و حمام گلستان در سبزمیدان از جمله این حمام ها بود که آثار و ساختمان برخی از آن ها تا کنون نیز برجای مانده است. این حمام ها در دو شیفت، برای مردان و زنان به طور جداگانه اختصاص یافته و برای تعویض شیفت، بوق و شیپور گوشخراشی را به صدا در می آوردند.

**حمام حاجی ساغریسازان**



در اعلامیه مهر ماه ۱۳۰۷ اداره بلدیه از طرف دایره تفتیش بلدیه،از حمامی ها التزام گرفتند که بوق گوشخراش خود را به کنار بگذارند و درصورت تخلف به محاکم صالحه جلب میشوند.کم کم با حمایت بلدیه حمام های امروزی تر و با نظارت اداره صحیه بصورت جداگانه برای مردان و زنان و بصورت خصوصی و نمره در رشت راه اندازی شد و محل تفریح و زنان و مردان رشتی شد.در این حمام های عمومی علاوه بر استحمام ، خدمات دلاکان برای کیسه کشی و شستشو و ماساژ و مشت و مال هم داده می شد.آواز مشتریان خوش صدا نیز هر چند وقت محوطه بخار گرفته و پژواکی حمام را پر می کرد.حمام ها در روزهای اخر هفته، جای سوزن انداختن نبود و گرمابه داری از کسب و کارهای پر رونق آن دوران بشمار می رفت .



مومن صالحی\*

در اعلامیه مهر ماه ۱۳۰۷ اداره بلدیه از طرف دایره تفتیش بلدیه،از حمامی ها التزام گرفتند که بوق گوشخراش خود را به کنار بگذارند و درصورت تخلف به محاکم صالحه جلب می شوند.کم کم با حمایت بلدیه حمام های امروزی تر و با نظارت اداره صحیه به صورت جداگانه برای مردان و

زنان و بصورت خصوصی و نمره در رشت راه اندازی شد و محل تفریح و زنان و مردان رشتی شد. در این حمام های عمومی علاوه بر استحمام ، خدمات دلاکان برای کیسه کشی و شستشو و ماساژ و مشت و مال هم داده می شد.او از مشتریان خوش صدا نیز هر چند وقت محوطه بخار گرفته و پژواکی حمام را پر می کرد.حمام ها در روزهای اخر هفته، جای سوزن انداختن نبود و گرمابه داری از کسب و کارهای پر رونق ان دوران به شمار می رفت .

**اعتصاب و سرکوب**



## حاج شیخ محمد باقررسولی

انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی در خرداد ماه سال ۱۳۰۵ با تحصن و اعتصاب مردم رشت برای اعتراض به دخالت های گسترده سرتیب زاهدی حاکم گیلان مواجه شد. حاکم گیلان حاج شیخ محمد باقررسولی،رهبرمعترضان رشت را به طالش تبعید کرد.مردم به این کار اعتراض نموده و تظاهراتی را برپا نمودند. سرتیب زاهدی دستورسرکوب و دستگیری داد و انقدر ازمعترضان را دستگیر کرد که در زمان کمی، حیاط وسیع شهربانی و زندان های دژبانی و سربازخانه مملو ازدستگیرشدگان گشت. از آن سوانجمن نظارت بر انتخابات،هنگامی که قصد خواندن آرای ماخوذه را داشتند، چند هزار نفرازمردم کفن پوش به محل انجمن حمله کرده و صندوق آرا را معدوم نمودند.در نتیجه این درگیری ها،انتخابات دورششم رشت باطل شده و رشت نماینده ای درمجلس ششم نداشته است.سرتیب زاهدی بعدها در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲در ساقط کردن دولت مصدق نقش اساسی را داشته و در سرکوب گروههای سیاسی و کشت و کشتار و حبس مخالفان کودتا نیز بطور فعال عمل نمود.

**اطفائیه**

مغازه های چوبی و سقف های گالی پوش خانه های رشت درهرباد گرمی بویژه در باد گرم هایی اذرو دی، شهررا به مخاطره انداخته و خطرآتش سوزی را چند برابر میکرد.رشت سابقه چندین آتش سوزی بزرگ و فراگیررا در تاریخ خود دارد.از این رو دراذرمه ۱۳۰۵ سه سال زودتر از پایتخت ، اداره اطفائیه رشت به ریاست میرزا اسماعیل خان سمعیی تاسیس شد.برای شروع کار، بیست تن از سپورها با یک دستگاه اتومبیل و چند ناسوس، شپها کیشیک میدادند تا جلوی حریق و گسترش آن را بگیرند.اولین مکان اطفائیه رشت درمحل استاد سرا، داخل اصطیلی بود که ان را به گازازی تبدیل نموده بودند. سپورهایی که الان، اطفایی، به کسر الف اول ان، باید خوانده میشدند، ولی مردم عوام ، به اشتباه به آنان هفتایی هم میگفتند، با لباسهای قرمز و کلاه زرد با هر آتش سوزی، دل به دل حادثه داده ومردم شهررا نجات میدادند.سال بعد در دوره شهرداری نصرالله رضا وسایل اطفائیه تکمیل ونظامنامه اطفائیه در مورد نحوه اطلاع رسانی با شیپورمسلسل و وظایف مردم در مورد وقوع حریق به اطلاع عموم رسید.

**ماشین های اطفایی**



در یک فقره از این آتش سوزی ها ، ربابه برای شستشو و حمام، در پشت خانه پوشالی خود مشغول گرم کردن آب بود که بر اثر باد گرم آتش شعله ورشده ودراندک زمانی چهار اتاق خانه او را سوزاند و به خانه اسمال اقا رسید و از آنجا منزل استا شعبان و سپس منزل نجف علی و همینطور به جلو می رفت که با تلاش ماموران اطفائیه بلدیه آتش کنترل و جلوی گسترش و افزایش خسارات گرفته شد.درموردی دیگر ، طهمورث ده ساله، ولد سید احمد گسگری،غفلتا در چاه مقابل اداره شهرداری افتاده ، فوراً یکی از ماموران آتش نشانی خود را به چاه انداخته و کودک را نجات میدهد.این اقدامات سریع اطفائیه موجب بسی دعاگوئی اهالی به موجد و بانی این تشکیلات عام المنفعه می گردید.

یکشنبه ۸ دی ۱۳۹۸

## قسمت ششم)



حمام حاج - آقا بزرگ

**سال ۱۳۰۷ سال سازندگی و عمران**

در اواخر پاییز سال ۱۳۰۷ بلدیه رشت در زمان ادامه ریاست اقا نصرالله رضا در بلدیه، با خرید ۱۶ فقره خانه و اراضی مجاور کوچه نجدالدوله تا خانه سپهدار رشتی و جنب خانه بیگلر بیگی (خان اکبر) به قیمت ۲۷۹۸ تومان ،شروع به ساختن اولین خیابان فرعی که از خیابان نوساز سبیه به مسجد صفی وصل می شد نمود.این خیابان به نام خیام، بعدها به عنوان خیابان شهناز شناخته شده و اکنون به نام بحرالعلوم تابلو دارد.

**ساختمان نمره ۲ بلدیه**



سنگفرش و ایجاد شبکه طاق و فاضلاب کوچه ها و معابر اکثر محلات رشت ، از خمیران زاهدان و چهاربرادران و گذر فرخ و خیابان چراغ برق و حاجی آباد و استاد سرا و زرچوب و قلمستان و زیر کوچه و سوخته تکیه و غیره در این سال انجام گرفت . ساختمان نمره دوی بلدیه در ابتدای خیابان سعدی(روبروی مجتمع خاتم الانبیاء) در همین سال به مسیو دیمیتری به مقاطعه داده شده و در سال ۱۳۰۸ آماده شد و تحویل گردید. این ساختمان مدتی برای امور خیریه و سپس مریض خانه و مدتی هم برای اداره حکومتی(استانداری) مورد استفاده قرار گرفت و بعدها دوباره به شهرداری رشت تحویل گردید.

نصب کاشی برای اسامی کوچه ها و گذرها و خیابان ها و نمره گذاری منازل نیز در همین سال انجام گرفت . با تخریب قبرستان افخرا و باغچه بندی وغرس درختان،اولین پارک تفریحی اطفال را در این محل ساختند وهمزمان با خرید وسایل بازی و نیمکت و صندلی ،برای سن بلدیه نیز یکدستگاه آپارات سینما و سه دست میل تهیه و وارد نمودند. در همین سال فرم لباس اعضای بلدیه نیز اجباری شد وهمه کارمندان،نیم تنه یقه برگردان و کلاه پهلوی پوشیده، نشان کوچک مارک بلدیه، برنگ سفید را نیزدریقه نصب نمودند. ولی از حیث رنگ لباس آزاد بودند . زدودن اسامی خارجی مغازه ها نیز شهروبرماه همین سال الزامی شد و با اخطار بلدیه، ظرف مدت ۵ روز اسامی و نوشته های بزبان خارجی،باید عوض شده و اسامی ایرانی جایگزین آن میشد و گرنه مورد تعقیب و مجازات قرارمی گرفتند. نخستین شماره مجله بلدیه به منظور ارایه خدمات شهری به هشههربان گیلک نیز در همین سال در رشت با جلد شمیز رنگی به اندازه ۲۸×۲۱ سانت در ۲۴ صفحه تجلید و چاپ و نشر یافت.

**رضا افشار**



پایان سال ۱۳۰۷، پایان کاراقای نصرالله رضا هم بود که برای ریاست بانک ملی بندر پهلوی عازم تهران شد. بدین ترتیب رضا افشار ۴۰ ساله ، حکمران دیکتاتور گیلان از ابتدای سال ۱۳۰۸ علاوه بر سمت والی گری گیلان (استانداری)، سمت ریاست بلدیه رشت را نیز به عهده گرفت.

رضا افشار در سن ۲۱ سالگی برای ادامه تحصیل به امریکا رفت و درسال ۱۲۹۶ به نهضت جنگل پیوست و صندوقدار کمیته اتحاد اسلام شد .اما دو سال بعد در فرصتی که ان را برای سوء استفاده مناسب یافته بود، ۸۴۰۰۰ تومان موجودی صندوق جنگلی ها را برداشت و به تهران گریخت.او با این پول، به کسب و تجارت پرداخت و ثروت انبوهی فراهم نمود.افشار در سال ۱۳۰۷ دوباره به گیلان برگشت و درمنصب حکمرانی گیلان و هفتمین ریاست بلدیه رشت،نسبت به تصفیه و پاکسازی شهرداری از نیروهای بازمانده نهضت جنگل اقدام کرد.او با روشهای کینه توزانه،عده ای را اخراج و برخی را نیزبا اتهاماتی به محاکم سپرد. پس از پنج ماه از حضور خود در رشت،مسیو محمد خان حاتم، متولد رشت را که در ان زمان با تحصیلات اقتصادی از فرنگ برگشته و سوابق مالی خوب و حسن شهرتی از پاکدستی نیز داشت را درسن ۳۶ سالگی کفیل بلدیه نمود.رضا حاتم به نجابت،ادب و مهربانی شهره عام و خاص بود.از آن پس ،همه اموربلدیه رشت،عملا توسط مسیو حاتم انجام می شد،اما رضا افشار والی مستبد گیلان نیز در هر کاری دخالت کرده و همه امور را زیر نظر داشت. رضا افشاردر امور دولتی،عاقبت بخیر نشد و در سال ۱۳۱۴ به اتهام تخلف در وزارت طرق و شوارع ، تحت تعقیب قرار گرفته و به حبس و محرومیت ابدی از خدمات دولتی محکوم شد.

**\*پژوهشگر اجتماعی**